



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: میراث الأزواج / يشترط أن تكون المرأة في حبال الزوج / ارث الزوجة

دیروز عرض کردیم که اگر مردی در حالی که مریض است با زنی ازدواج کند شارع مقدس فرموده اگر توانایی وطی آن زن را داشت و به آن زن دخول کرد و بعد فوت کرد آن زن از او ارث می برد و إلا ارث نمی برد و گفتیم که اخبار مربوط به این مسئله در باب ۱۸ از ابواب میراث الأزواج ذکر شده: «باب أن المريض إذا تزوج ودخل صح النكاح وثبت الميراث وإن لم يدخل بطل ولا ميراث بينهما»، سه خبر در این باب ذکر شده که مضمونشان همین است، البته بیشتر به خبر زراره تمسک شده که خبر دوم باب می باشد، خبر این است: «محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب عن ابن بكير، عن عبيد بن زرارة قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن المريض أله أن يطلق؟ قال: لا ولكن له أن يتزوج إن شاء، فإن دخل بها ورثته، وإن أدخل بها فنكاحه باطل»^۱.

سند موثق است چون عبدالله بن بکیر فطحی المذهب بوده.

در این باب ۱۸ سه خبر نقل شده که در هر سه تای آنها گفته شده "فنكاحه باطل" لذا در اینجا بحثی بوجود آمده به این بیان که اگر دخول صورت بگیرد نکاح

صحیح است و ارث نیز وجود دارد ولی اگر دخول نکند نکاح باطل و ارث نیز وجود ندارد پس دخول نیاز به صحت نکاح دارد و صحت نکاح هم نیاز به دخول دارد که این دور می باشد و از این جهت فقهاء ما در اینجا بحث کرده اند و شهید ثانی در مسالک جلد ۱۳ صفحه ۱۹۶ نیز فرموده ظاهر خبر مستلزم دور می باشد زیرا دخول نیاز به صحت نکاح دارد و إلا زنا می شود و صحت نکاح هم نیاز به دخول دارد و إلا نکاح باطل است فلذا باید خبر را توجیه کنیم.

توجیه اول: در مفتاح الکرامه اینطور توجیه شده که وقتی مریض ازدواج کرد عقد او باطل نیست بلکه عقد متزلزل می باشد یعنی اگر تزویج کرد ولی دخول نکرد عقدش عقد متزلزل است و وقتی دخول کرد عقدش لازم می شود به عبارت دیگر وقتی مریض ازدواج کرد عقد او صحت تأهلیه دارد و باطل نیست و بعد با دخول صحت فعلیه پیدا می کند مثل باب بیع فضولی که صحت تأهلیه دارد و بعد از اجازه مالک صحت فعلیه پیدا می کند پس با این توجیه دور دفع می شود.

توجیه دوم: صاحب جواهر در صفحه ۲۲۱ از جلد ۳۹ جواهر ۴۳ جلدی همین دور مذکور در کلام شهید ثانی را بیان می کند و بعد طبق همان بحث بیع فضولی و اجازه می فرماید تا چندی که وطی نکرده عقد صحت تأهلیه دارد ولی وقتی وطی کرد صحت فعلیه پیدا می کند و کشف می شود که عقد از اول صحیح بوده.

سوال شده که شما فرمودید در چند مورد زن عده ندارد، غیر مدخول بها و یائسه و طلاق سوم در زنی که سه طلاقه شده درحالی که در قران کریم بیان شده که

﴿وَاللَّائِي يَسْنَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۳۷، ابواب میراث الأزواج، باب ۱۸، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ^۲ ، در جواب عرض می کنیم که در ادامه گفته شده " إِنْ ارْتَبْتُمْ " یعنی اگر شک کردید که آیا سنش بالا رفته که حائض نمی شود یا اینکه حامله شده و یا عارضه ای بوجود آمده که حیض نمی شود در این صورت سه ماه باید عده نگه دارد و این با عرائض قبلی ما منافاتی ندارد.

خب و اما یک بحث بسیار مهمی درباره میراث ازواج وجود دارد که تا به حالا هرچه گفتیم شاید مقدمه ای بوده برای این بحث و آن بحث این است که مرد از تمام مایملک زن اعم از منقول و غیرمنقول ارث می برد ولی حالا می خواهیم ببینیم اگر مرد فوت کند آیا زن نیز از تمام مایملک مرد ارث می برد یا نه؟ و این بحث مختص ما می باشد چون عامه تفصیلی قائل نشدند و گفتند فرقی وجود ندارد مرد از کل مایملک زن و همچنین زن از کل مایملک مرد ارث می برد ولی ما تفصیل قائلیم و می گوئیم زن از تمام مایملک مرد ارث نمی برد.

سید مرتضی در انتصار فرموده: «مسألة ۳۱۹: إرث الزوجة من رباغ (جمع ربع، اموال غیر منقول مثل باغ و بستان) المتوفی: و مما انفردت به الإمامیة: أن الزوجة لا تورث من رباغ المتوفی شیئا، بل تعطى بقیمة حقها من البناء و الآلات دون قيمة العراض (جمع عرصه).

و خالف باقي الفقهاء في ذلك، و لم یفرقوا بین الرباغ و غيرها في تعلق حق الزوجات.

و الذي یقوی في نفسی أن هذه المسألة جاریة مجرى المسألة المتقدمة في تخصيص الأكبر من الذکور بالمصحف و السیف، و أن الرابع و إن لم تسلم إلى الزوجات فقیمة محسوبة لها.

^۲ سوره طلاق، آیه ۴.^۳ الانتصار، سید مرتضی، ص ۵۸۵.^۴ الخلاف، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۱۱۶، مسئله ۱۳۱.

و الطريقة في نصره ما قویناه: هي الطريقة في نصره المسألة الاولى، و قد تقدم بیان ذلك.

و يمكن أن يكون الوجه في صد الزوجة عن الرباغ أنها ربما تزوجت و أسكتت هذه الرباغ من كان ینافس (رقابت) المتوفی أو یغبطه أو یحسده، فیتقل ذلك على أهله و عشیرته، فعدل بها عن ذلك على أجمل الوجوه^۳.

سید مرتضی در آخر کلامش درباره اینکه چرا زن از خانه ارث نمی برد می فرماید زیرا فرض کنید مرد فوت کرد اگر زن از خانه ارث ببرد ممکن است برود و شوهر کند به شخصی که با شوهر قبلی خودش که فوت کرده بغض و عداوت و حسد داشته اند لذا شارع مقدس نمی خواهد چنین شخصی به خانه میت بیاید و روح آن معذب بشود.

شیخ طوسی در خلاف فرموده: «مسألة ۱۳۱: لا ترث المرأة من الرباغ، و الدور (خانه)، و الأرضین شیئا، بل یقوم الطوب (آجر) و الخشب (تخته) فتعطى حقها منه.

و خالف جميع الفقهاء في ذلك، و قالوا: لها الميراث من جميع ذلك.

دلینا: إجماع الفرقة و أخبارهم^۴.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین